

## سیاست خارجی ترکیه در کمر بند شکننده: از بحران سازی در سوریه تا رقابت جویی با ایران

دکتر عبدالرضا بای\*

### چکیده

دگرگونی در محیط ژئوپلیتیکی و استراتژیکی منطقه خاورمیانه تاثیر اساسی در نقش آفرینی دولت‌ها و بازیگران منطقه ای دارد. کمر بند شکننده یا هلال ناموزون مسلمین همواره منطقه ای جهت تقابل و کشمکش بازیگران بوده است. در فضای پساجنگ سرد یکی از بازیگرانی که به دنبال نقش آفرینی در محیط امنیتی نوظهور خاورمیانه بوده کشور ترکیه می‌باشد. موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی ترکیه تاثیر بسزایی بر نقش آفرینی این کشور در معادلات جهانی و منطقه ای داشته است از این روی ترکیه به واسطه این موقعیت و پیوند با غرب در قالب پیمان ناتو توانسته در مسائل منطقه ای با جدیت ورود نماید. این رویکرد نوین باعث طرح نوعثمان گرایی در رفتار سیاست خارجی ترکیه شده است. ترکیه تلاش می کند نفوذ سیاسی و اقتصادی خود در خاورمیانه عربی، آسیای مرکزی و قفقاز افزایش دهد و بخصوص در شکل دادن به تغییرات سیاسی خاورمیانه نقش ایفا نماید. رویکرد این کشور در قبال سوریه و یا مصر دوره محمد مرسی در همین راستا قابل تحلیل می‌باشد. به هر روی ترکیه تلاش می کند در چارچوب ساختار نظام بین الملل و با نزدیکی به قدرت هژمون، منافع منطقه ای خود را تامین نماید؛ هر چند چالش‌های عمده ای فراروی ترکیه وجود دارد از جمله چالش‌های داخلی و بحث داعش و پیوستن به اتحادیه اروپا، اما به نظر می رسد آرمان گرایی افراطی در سیاست خارجی ترکیه حاکم می‌باشد که خود می‌تواند در آینده چالش‌های جدی را فراروی ترکیه قرار دهد.

### کلید واژه‌ها

خاورمیانه، سیاست خارجی، کمر بند شکننده، ترکیه.

## مقدمه

خاورمیانه همواره به‌عنوان یکی از مهمترین مناطق استراتژیکی و ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی در نظام بین‌الملل مورد توجه قدرت‌های مداخله‌گر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده است. خاورمیانه به‌عنوان مرکز جهان و خلیج فارس به‌عنوان مرکز خاورمیانه قلمداد شده است. در شرایط کنونی خاورمیانه کانون تحولات سیاسی و اجتماعی است که مهمترین پیامد آن به چالش کشیدن نظام‌های اقتدارگرا و فروپاشی آنان می‌باشد. اسلام‌گرایی یکی از ابعاد و عوامل تاثیرگذار بر این تحولات می‌باشد. از سوی دیگر آمریکا در قالب طرح خاورمیانه بزرگ به دنبال سامان سیاسی و اقتصادی خاص براساس منافع خود می‌باشد. بنابراین در سطح کلان ساختار تک‌قطبی به رهبری آمریکا منطبق و قواعد خاصی را بر این منطقه تحمیل می‌کند و از سوی دیگر خیزش‌ها و انقلاب‌های مردمی شرایط نوینی را ایجاد نموده است. حال در محیط امنیتی و در حال گذار خاورمیانه نقش آفرینی ترکیه قابل توجه است. پرسش اساسی این است که تحت تاثیر چه متغیرهایی ترکیه وارث مرد بیمار اروپا است؟ و اینک به دنبال قدرت یابی و نقش آفرینی ژئوپلیتیکی نوین همسو با غرب و آمریکا در محیط منطقه‌ای است. ترکیه امروزه به‌عنوان مدل مطلوب آمریکا برای کشورهای اسلامی است. عضویت این کشور در ناتو در فضای جنگ سرد حاکی از تعریف عمیق و استراتژیک غرب از ترکیه بود ولی در شرایط کنونی ترکیه کارکردهای جدیدی برای خود تعریف نموده است که این کشور را تبدیل به یک قدرت و بازیگر منطقه‌ای نموده است؛ از جمله مواضع این کشور در قبال اسرائیل، نقش میانجیگرانه در منطقه، موضع‌گیری در قبال سوریه و همکاری این کشور با طرح سپر موشکی در منطقه از جمله مسائلی است که ترکیه را وارد یک مرحله جدید از سیاست خارجی نموده است که از آن با عنوان دکترین «افزایش عمق استراتژیک» یاد می‌شود. در چنین شرایطی رفتار ترکیه چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد و با توجه به عملکرد این کشور در قبال سوریه و یا تعامل با غرب و همکاری با طرح سپر موشکی چه تاثیر بر امنیت ملی ایران دارد که در این پژوهش مسائل فوق‌مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۱. سیاست خارجی ترکیه از شکل‌گیری تا بازیابی هویت نوین

طبق رویکرد سازه‌انگاری و دیدگاه‌های پسامدرن، اساساً سیاست خارجی دولت‌ها بازتاب تعریفی است که نخبگان حاکم از خود و دولت‌شان بر می‌سازند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸):

۵۰). یکی از مختصات عمده سازه انگاری عنایت به ساختارهای فرهنگی و هنجاری در کنار عناصر مادی است، به گونه ای که حتی در این وضعیت انگاره‌ها هستند که به عناصر مادی قدرت مانند تسلیحات، سرزمین و جمعیت معنا بخشیده و هنجارها در تشکل منافع دارای نقش عمده ای هستند (قوام، ۱۳۸۴ : ۲۹۹). سازه انگاران در روابط بین الملل تنها اخیراً از اصطلاح فرهنگ استفاده می کنند، اما از همان آغاز توجه به شناخت مشترک به شکل گفتمان، هنجارها و ایدئولوژی‌ها در قطب آثار آن‌ها قرار داشته است (ونت، ۱۳۸۴ : ۲۰۸). سازه انگاران بر ابعاد مادی و غیر مادی حیات اجتماعی تاکید دارند و معتقدند میان فرهنگ و سیاست‌های داخلی با هویت و رفتار دولت در سیاست‌های جهانی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد.

مساله مهم، هویت کنشگران است، که در کانون رهیافت سازه انگاری است. هویت عبارت است از فهم‌ها و انتظارات در مورد خود که خاص نقش است. هویت‌ها به طور همزمان به گزینش‌های عقلانی قوام می‌دهند و این الگوهای هنجاری سیاست بین الملل‌اند که به آن‌ها شکل می‌دهند. هویت‌ها را نمی‌توان به شکل ماهوی، یعنی جدا از بستر اجتماعی آن‌ها تعریف کرد. آن‌ها ذاتاً اموری رابطه ای اند و باید به عنوان مجموعه‌ای از معانی تلقی شوند که یک کنشگر با در نظر گرفتن چشم انداز دیگران، هویت‌های اجتماعی و برداشت‌های خاصی از خود را در رابطه با سایر کنشگران نشان دهد. از این طریق منافع خاصی تولید می‌شود که بر تصمیمات سیاست‌گذاری شکل می‌دهد. دولت‌ها و سیاست‌گذاران هستند که به عوامل مادی و فیزیکی نظیر سرزمین، تسلیحات و غیره معنا می‌بخشند. به این ترتیب، از نگاه سازه انگاران، واقعیت بین‌المللی یعنی ساختارهای بنیادین بین‌المللی را، فهم دولت‌ها از خود، و رفتار عمومی دولت‌ها و شناخت از هنجارهای بین‌الذهانی تشکیل می‌دهند (مشیرزاده، ۱۳۸۶ : ۳۳۳-۳۳۱).

بنابراین می‌توان گفت از طریق همان اعتقادات مشترک است که باعث درک سایرین در روابط بین‌الملل می‌شود. از منظر این رویکرد سیاست بین‌الملل را نمی‌توان در حد یک سلسله رفتارهای عقلایی و در چهارچوبه صرف مادی و نهادی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی تقلیل داد زیرا تعاملات دولت‌ها براساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده شکل نگرفته، بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل یافته اند. اعمال قدرت، ارائه رفتارها در غیاب هنجارها فاقد معناست (قوام، ۱۳۸۴ : ۲۲۴-۲۲۳).

به رغم تغییرات و تجدیدنظری‌هایی که به مناسبت تحول اوضاع منطقه‌ای و بین‌المللی در سیاست خارجی ترکیه صورت گرفته است می‌توان گفت، راهنمای سیاست خارجی ترکیه نوین، بسیار متأثر از اصولی است که در تاسیس جمهوری ترکیه نوین تحت عنوان کمالیسم بر ساخته شد (طاهایی، ۱۳۸۰: ۲۰۴). کمالیسم مبتنی بر اصول شش‌گانه زیر است که در قانون اساسی سال ۱۹۳۷ نیز مندرج شد: ناسیونالیسم، سکولاریسم، جمهوری خواهی، مردم‌گرایی، دولت‌گرایی، اصلاح‌طلبی (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ۱۳۸۶: ۲۱۰). اصول یاد شده در بسیاری از موارد تأثیر مستقیمی بر سیاست خارجی ترکیه داشته است. تأثیرگذاری این اصول بر سیاست خارجی بدین ترتیب بود که تحت تأثیر این اصول، رهبران ترکیه، جامعه‌ای با دو ویژگی عمده بنا نهادند: ویژگی نخست ترکیه را از کشورهای منطقه و مسائل آن دور می‌کرد و ویژگی دوم، سیاست خارجی ترکیه را هر چه بیشتر به سوی غرب سوق می‌داد. لذا تا دهه ۱۹۶۰ که ترکیه با معضلات منطقه‌ای در سیاست خارجی خود مواجه نشده بود، مسائل منطقه‌ای در درجه دوم از اولویت‌های سیاست خارجی اسن کشور قرار داشت (کاکایی، ۱۳۸۴: ۶۶). در پرتو اصول یاد شده، ترکیه خط‌مشی‌های زیر را به عنوان استراتژی سیاست خارجی تعریف کرده است:

- بهره‌برداری از قدرت اقتصادی و صنعتی غرب؛
- تلاش برای شناخته شدن به‌عنوان یک ملت اروپایی و پذیرفته شدن در تمدن غرب؛
- مداخله نکردن در امور کشورهای خاورمیانه‌ای؛
- پرهیز از مداخله در مناقشات میان کشورهای منطقه؛
- توسعه روابط دوجانبه با همه کشورهای منطقه؛
- توسعه روابط اقتصادی و تجاری با کشورهای منطقه.

۱ عنایت به فلسفه بنیان‌گذاران جمهوری ترکیه، سیاست نگرش به غرب به عنوان اصل نخست کمالیسم، موضع‌گیری سیاست خارجی ترکیه را در قبال خاورمیانه تحت تأثیر قرار داده بود، به گونه‌ای که پس از جنگ جهانی دوم، منطقه خاورمیانه در درجه دوم اهمیت برای سیاست خارجی ترکیه قرار گرفته بود (فولر، ۱۳۷۷: ۱۱۵). اما پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت توسعه، همانندی فرهنگی و سیاسی با بدنه اجتماع، کاپیتالیسم، جهانی شدن و اشتیاق ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا از مسائل تعیین‌کننده برای کمک به «حزب عدالت و توسعه» بود که در سال ۲۰۰۲ به قدرت برسد (عطایی، ۱۳۷۸: ۱۰۷). رهبر حزب عدالت و

توسعه، رجب طیب اردوغان، آنقدر زیرک بود که بفهمد اصلاحات مورد نظر اتحادیه اروپا، موسوم به معیارهای کپنهاک، تحکیم دموکراسی همراه با کاهش قدرت ارتش و سست شدن پایه‌های قدرت احزاب به شدت سکولار بوده است. از این رو مهم‌ترین هدف حزب عدالت و توسعه، تقدم جامعه مدنی بر دولت پادگانی است. رجب طیب اردوغان، مهارت فوق العاده در ساده حرف زدن و ارتباط برقرار کردن با توده مردم و در عین حال جسارت لازم برای پیگیری و اجرای سیاست‌ها و وعده‌های خود دارد. از دید رهبران حزب عدالت و توسعه، اتحادیه اروپا جایی است که در آن نهاد نظامی تحت مدیریت نهاد مدنی قرار می‌گیرد و در صورت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا، می‌توان برای همیشه ترکیه را مانند اروپای جدید از کودتا دور نگه داشت. از این رو است که برای حزب عدالت و توسعه عضویت در اتحادیه اروپا از اولویت‌های سیاست خارجی بوده است و همین باعث حمایت اکثریت طبقه متوسط جامعه، بازرگانان و بسیاری از روشنفکران ایبرال از آن‌ها شد. آگمن باغیش، وزیر مشاور و سرپرست هیات مذاکره کننده ترکیه با اتحادیه اروپا می‌گوید: «ما غربی‌ترین نقطه شرق و شرقی‌ترین نقطه غرب هستیم. ما نماینده ارزش‌های بین‌المللی هستیم. ۲۵ میلیون مسلمان و ۵ میلیون دیاسپورای ترک در اروپا روند عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا را از نزدیک دنبال می‌کنند».

از زاویه‌ای شاید ظهور و پیروزی حزب عدالت و توسعه اقدامی ساختار شکنانه تلقی شود، لیکن تاکید این حزب بر دموکراسی، اقتصاد آزاد و حرکت بر مبنای نظام حقوقی و ارزشی غرب در واقع حاکم شدن قواعد دموکراسی در صحنه سیاسی ترکیه است. حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن، اعلام کرد که در یک شرایط منحصر به فرد برای پیوند و ایجاد سازش بین اسلام، دموکراسی و سکولاریزم قرار دارد. ترکیه نسبت به ایده «برخورد تمدن‌ها» اعتراض کرد و در عین حال واشنگتن نیز خواستار معرفی ترکیه به‌عنوان یک الگو برای جهان اسلام بود (مرادیان، ۱۳۸۵: ۵۹۰).

- مولفه‌های تشکیل دهنده دکترین عمق استراتژیک داوود اوغلو را می‌توان چنین نام برد:
- ترکیه باید نقش پررنگ، فعال و متناسب با تاریخ پر شکوه گذشته و عمق جغرافیایی خود را ایفا کند؛
- برای اجرای بهتر آن باید بر روی قدرت نرم خود سرمایه گذاری کند؛ زیرا به نظر او کشورش با همه مناطق یاد شده دارای روابط تاریخی و فرهنگی است؛
- نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای این مناطق باشند؛

- اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است؛
- باید در مدیریت بحران‌ها منطقه ای و بین‌المللی نقش مهمی را ایفا کند؛
- با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه، نیاز به مداخله قدرت‌های خارجی را از بین ببرد؛
- به جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کند و به ویژه کشورهایی که زمانی امپراطوری عثمانی بوده اند.
- تحلیل گران، این سیاست خارجی جدید ترکیه را به مثابه نقش آفرینی جدید آنکارا در معادلات جهانی ارزیابی می‌کنند؛ همان گونه که عثمانی طی پنج قرن چنین جایگاهی داشت. از این رو، سیاست خارجی جدید ترکیه تحت عنوان «نو عثمان گرایی» تعریف شد که دارای ویژگی‌های زیر است:
- عملیاتی کردن سیاست و «صفر کردن مشکلات با همسایگان»: در این راستا ترکیه تلاش می‌کند اختلافات سیاسی - فرهنگی خود را با همسایگان و بعضی از گروه‌های قومی در منطقه از جمله با کردها و نیز با ارمنستان حل و فصل کند. ترک‌ها به یک ضرب‌المثل ترکی استناد می‌کنند: «همسایه خوب از برادر به تو نزدیک تر است»؛ بنابراین ترک‌ها می‌خواهند با سیاست خارجی جدید به زدودن دهه‌ها بی‌اعتمادی با همسایگان پایان دهند.
- رضایت نسبی از این سیاست در غرب و شرق: عثمانی گرایی جدید، دیگر همان امپراطوری ترکی در خاورمیانه و بالکان نیست، بلکه با یک شیوه سکولاریزم میانه رو در داخل و یک دیپلماسی فعال در سیاست خارجی همراه است. در این رویکرد، شیوه رفتاری ترکیه بر مبنای قدرت هنجارهای سیاسی، اقتصادی، دیپلماسی، فرهنگی و نفوذ در سرزمین‌های امپراطوری عثمانی است.
- انعطاف پذیری برای سازگاری، از دیگر ویژگی‌های عثمانی گرایی جدید است. عثمانی گرایی جدید ترکیه را به‌عنوان یک ابرقدرت منطقه ای می‌بینند. این نگاه استراتژیک، بازتاب تجربه‌های تاریخی امپراطوری روم شرقی و عثمانی است. ترکیه سعی می‌کند در عرصه سیاست بین‌الملل جزمیت را کنار بگذارد و با انعطاف پذیری، خود را در معادلات بین‌المللی جای دهد.

- پذیرفتن اهمیت جهان اسلام به اندازه غرب است. کمالیسم مدعی است ترکیه دارای هویت غربی است تا شرقی و این هویت را در مقابل میراث و هویت اسلامی قرار می‌دهد. انعطاف و عمل‌گرایی جدید آن را به‌عنوان یک واقعیت ژئوپلیتیک می‌پذیرد.

- توسعه روابط هماهنگ با قدرت‌های جهانی: ترکیه با پنج عضو دائم شورای امنیت روابطی متعادل برقرار کرده است. داوود اوغلو در جمع دیپلمات‌های مقیم ترکیه گفته است ترکیه باید تا سال ۲۰۲۳، یعنی صدمین سالگرد تاسیس جمهوری ترکیه، یکی از ده کشور توسعه یافته جهان باشد و برای تحقق این هدف به دنبال برقراری روابط متعادل با قدرت‌های جهانی و همسایگان است. او معتقد است به دلیل نبود درک درست از واقعیت‌های هویتی ترکیه، این کشور با همسایگان خود دچار مشکل شده است. این راهبرد ارمغانی برای ترکیه در پی نداشت، جز اینکه تمام انرژی ترکیه صرف مدیریت مشکلاتش با همسایگان شد (برزگر، ۱۳۹۰: ۳۷).

## ۲. بازشناسی متغیرهای موثر در واگرایی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه

### ۲-۱. نوع رابطه با قدرت‌های جهانی و منطقه ای

پس از پایان جنگ سرد، ایالات متحده درصد برآمد تا با ایجاد اتحاد در میان کشورهای منطقه، که متحد غرب محسوب می‌شوند، نفوذ استراتژیک خود را در منطقه تقویت نماید و با دولت‌های ضدغربی منطقه مقابله نماید. قرارداد میان ترکیه - اسرائیل در فوریه ۱۹۹۶ که به شکل‌گیری محور استراتژیک میان دو کشور منجر شد و شکل‌گیری مثلث ترکیه، اسرائیل و جمهوری آذربایجان که حمایت‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا دنبال می‌شد، نمونه بارز این استراتژی ایالات متحده آمریکا می‌باشد (رضازاده، ۱۳۸۴: ۲۴۹). البته برخی تحولات منطقه‌ای باعث شده است که ترکیه در مناسبات خود با غرب و متحدان منطقه ای آن تجدیدنظر کند. حذف صدام حسین، دست کشیدن سوریه از حمایت کردهای جدایی طلب ترکیه، حضور فعال اسرائیل در مناطق کردنشین شمال عراق، رفع نگرانی ترکیه از برنامه هسته ای ایران و سیاست جدید ترکیه در تحکیم روابط با همسایگان و کشورهای مسلمان منطقه باعث شده است که مناسبات ترکیه با آمریکا و اسرائیل تحت تاثیر قرار گیرد و اهمیت سابق خود را از دست بدهد. با وجود نگرانی‌هایی که در میان برخی مقامات و کارشناسان ایرانی مبنی بر تبدیل شدن ترکیه به پایگاهی برای غرب و به ویژه آمریکا و اسرائیل برای ضربه زدن به ایران

وجود دارد، ولی آنچه در مورد نفوذ آمریکا و اسرائیل در دولت ترکیه گفته شده است، چندان تطبیقی با واقعیت ندارد. از یکسو اسرائیل به هیچ وجه قادر به افزایش موقعیت سیاسی - اقتصادی خود در منطقه و حتی اروپا نیست و دولت ترکیه به خوبی به این موضوع واقف است. همچنین اسرائیلی‌ها مخالف حضور قوی ترکیه در منطقه هستند و جهت گیری‌های اخیر آن‌ها در منطقه خاورمیانه با منافع ترکیه همخوانی ندارد که می‌توان به اقدامات اسرائیل در تقویت کردهای شمال عراق و افکار مودیانه تجزیه طلبانه آن‌ها در عراق اشاره کرد. در همین راستا از ابتدای حمله رژیم صهیونیستی به لبنان، دولت ترکیه شدیدترین مواضع را علیه اسرائیل اعلام کرد. در خصوص آمریکا هم باید گفت که این کشور از هیچ کدام از مسائل بوجود آمده برای ترکیه، مانند موضوع قبرس، پ.ک.ک و حتی در مساله کشتار ارمنه، از ترکیه حمایت نکرده است. در خصوص پایگاه‌های نظامی آمریکا در ترکیه نیز باید گفت که این پایگاه‌ها براساس نظریات جنگ مدرن، اهمیتی در تهدید کشورهای دیگر ندارد و موقعیت ژئوپولیتیک ایران نیز به گونه ای است که حمله نظامی به آن کاملاً منتفی است. با این حال، وجود پایگاه‌های آمریکا در ترکیه دارای اهمیت سیاسی می‌باشد. همچنین به دلیل عضویت ترکیه در ناتو، تلاش آن کشور در جهت ورود به اتحادیه اروپایی و نیاز ترکیه به کمک بانک جهانی، آمریکا تاثیر بیشتری در معادلات ترکیه دارد. این امر به معنای آمریکایی بودن دولت ترکیه نیست و نمونه آن در مخالفت مجلس آن کشور در لایحه عبور نیروهای آمریکا از خاک ترکیه، برای حمله به عراق، مشهود است.

## ۲-۲. نظام سکولار ترکیه

ترکیه دارا حکومت لائیک است و جذاب ترین ویژگی ترکیه برای غرب، سکولاریسم حاکم بر این کشور است که غرب آن را به نوعی به رسمیت شناختن الگوی برتر سیاسی - فرهنگی جامعه غربی تلقی می‌کند. حتی با وجود به قدرت رسیدن حزب اسلام گرای عدالت و توسعه به رهبری اردوغان، ترکیه به ارزش‌های سکولار و لائیک وفادار می‌باشد و ارتش ترکیه نقش مهمی در پاسداری از ارزش‌های سکولار ترکیه ایفا می‌نماید. وجود حکومت سکولار در ترکیه از یکسو و حاکمیت جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر، بارها باعث تنش در روابط دو کشور شده است و مقامات ترک، جمهوری اسلامی را به حمایت از گروه‌های اسلام گرا در داخل ترکیه متهم کرده است. البته تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که وجود منافع مشترک در

حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و حتی دینی در سطوح دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند اختلافات ناشی از نظام حکومتی متفاوت در ایران و ترکیه را کم‌رنگ سازد.

### ۲-۳. اقلیت‌های قومی

در خصوص ژئوپولیتیک ترک چند موضوع از جمله اعتقاد به «پان ترکیسم» قابل توجه است. اصطلاحاتی از قبیل «آذربایجان بزرگ»، «اقوام ترک» و «جامعه ترک در مقابل جامعه اروپا» از اصطلاحات پان ترک‌ها می‌باشد. آن‌ها معتقدند که اقوام و مردمی که تا انتهای آسیای مرکزی یعنی دیوار چین به زبان ترکی صحبت می‌کنند از ملت بزرگ ترک هستند که باید زیر یک پرچم گرد آیند. با این حال تجربه نشان داده است که مردم آذربایجان ایران با فرهنگ شیعی خود تا به حال تمایلی به این خودمختاری و جدایی، پان ترکیسم و عقاید پان ترکیست‌ها اشتیاقی نشان نمی‌هند و همواره به حکومت مرکزی ایران وفاداری محسوسی داشته اند. در این میان مقامات ترکیه نیز از موضوع آذری‌های ایران در سیاست خارجی خود استفاده زیادی نکرده‌اند. کردها نیز موضوع دیگری می‌باشد که بر روابط ایران و ترکیه تاثیر زیادی داشته است. با وجود همکاری دو کشور در سرکوب گروه‌های جدایی طلب کرد و مخالفت با تجزیه طلبی کردهای عراق، مقامات دو کشور بارها یکدیگر را به حمایت از اقلیت‌های کرد در کشور خود و دخالت در امور داخلی یکدیگر متهم کرده‌اند که اگر درایت مقامات دو کشور نبود، می‌توانست به تنش عمده‌ای در روابط ایران و ترکیه منجر شود. از موارد دیگری که می‌تواند به عامل واگرایی در روابط ایران و ترکیه تبدیل شود، می‌توان به نامکمل بودن اقتصاد دو کشور، رقابت در آسیای مرکزی و قفقاز، تبلیغات رسانه‌های غربی در ترکیه، فعالیت برخی گروه‌های مخالف روابط ترکیه با ایران در ترکیه، اعتقاد برخی مقامات و کارشناسان ایرانی به نفوذ شدید آمریکا و اسرائیل در ترکیه و آمریکایی بودن ترکیه از دید آنان اشاره نمود که می‌تواند با برنامه ریزی مقامات دو کشور و تغییر ذهنیت و نگاه دو کشور درباره یکدیگر از میان برداشته شود. به‌طور کلی در جهان معاصر، توسعه یک کشور بدون توسعه همسایگان آن امکان‌پذیر نیست. یکی از علل گسترش اتحادیه اروپایی و پذیرش اعضای جدید، توجه به این موضوع بوده است. همکاری‌های اقتصادی در آ.سه. آن، نفتا و اکو نیز با توجه به این موضوع شکل گرفته است. اتخاذ سیاست واقع‌گرایانه و پراگماتیک از سوی جمهوری اسلامی ایران نسبت به همسایگان و نگرش جدید ترکیه به خاورمیانه و تلاش در جهت ایفای نقش محوری در آن، تحولات عراق و

منافع و نگرانی‌های مشترک دو کشور از این ناحیه، تاثیر شگرفی در گسترش مناسبات ایران و ترکیه داشته است (رضازاده، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

### ۳. تنازع ایدئولوژیکی و هویتی ایران و ترکیه از اوراسیا تا سوریه

گرچه در ظاهر امر به نظر می‌رسد، پیشرفت این سناریو موجب افزایش علاقمندی کمالیست‌ها و نظامیان به گسترش روابط با ایران خواهد شد، ولی ظواهر موجود چندان با واقعیت تطبیق ندارد. ترکیه هم مثل ایران جامعه پیچیده‌ای است. در ایران تصور بر این است که ترکیه کاملاً تحت کنترل نظامیان است و بدون اجازه آن‌ها، اسلام‌گرایان نمی‌توانند کاری بکنند. این تصور، رقابت‌های داخلی گروه‌های مختلف برای افزایش و کسب قدرت را نادیده می‌گیرد. تمکین نظامیان در مقابل حزب عدالت و توسعه به خوبی موید این واقعیت است که نظامیان ترکیه در تحلیل نهایی نمی‌توانند بدون پشتیبانی مردم و افکار عمومی سیاست‌های خود را پیش ببرند. نمونه بارز آن، حمله به عراق بود. نظامیان با این که موافق پیوستن به آمریکا بودند، به خاطر مخالفت افکار عمومی از این کار امتناع کردند. دلیل این امر آن است که آن‌ها خود را پشتیبان نظام سیاسی سکولار و تمامیت ارضی ترکیه می‌دانند و معتقدند ارتش ترکیه تبلور خواست‌های مردم است. آنچه نظامیان در سناریوی اوراسیا برای ایران و روسیه در نظر گرفته‌اند، نقشی درجه دومی است، یعنی زمانی که مثلث آمریکا-ترکیه-اسرائیل در اوراسیا تقویت شد، ایران و روسیه ناگزیر از پذیرش و تن دادن به همکاری با این مثلث خواهند شد. منافع اسرائیل در این مثلث این است که به شریک مطمئن منطقه‌ای، یعنی ترکیه می‌پیوندد که می‌تواند دشمنان اسرائیل، یعنی اعراب و ایران را همزمان تحت فشار قرار دهد، در عوض اسرائیل با مدرنیزاسیون نظامی ترکیه موجب تقویت نظامیان در داخل و افزایش قدرت مانور ترکیه در خارج می‌شود (روشندل، ۱۳۸۶: ۶۸).

براساس این سناریو، بسط روابط ترکیه و آمریکا، موجب محاصره فیزیکی ایران و در نتیجه کاهش قدرت مانور ایران در محیط پیرامونی و افزایش هزینه‌های امنیتی شده است. آمریکا حمایت بسیار زیادی از حضور و نفوذ هم‌پیمانان خود در منطقه می‌کند و بر اساس این سناریو ترکیه و اسرائیل به جهت حمایت‌های آمریکا جایگاه مهمی در مهار ایران پیدا می‌کنند و به عنوان وزنه‌ای برای مقابله با قدرت برتر ایران و روسیه در منطقه به شمار می‌آیند. آمریکا چه در خلیج فارس و چه در کشورهای حاشیه آن همواره مانع تحرک ایران بوده و در پی نادیده

گرفتن جایگاه طبیعی ایران در نظام منطقه ای برآمده تا رقابت منطقه‌ای ایران و فضا سازی توسعه حوزه نفوذ ایران را کاهش و در عوض توسعه نفوذ ترکیه را افزایش دهد (حیدری، ۱۳۸۶: ۶۴). زیرا، آمریکا برای افزایش قدرت مانور و حتی حفظ موقعیت خود در خاورمیانه نیازمند همکاری ترکیه است. پس از حادثه یازدهم سپتامبر روابط دوجانبه آمریکا- ترکیه به مراتب گسترده تر و قوی تر از روابط سه جانبه آمریکا - ترکیه - اتحادیه اروپا بوده است. دولت آمریکا ترجیح می دهد بیشتر روابط دوجانبه را مورد توجه قرار دهد تا روابط سه جانبه. آمریکا انتظار دارد که با عملی شدن این طرح، قدرت مانور خود را در مناطق پیرامون ترکیه، آن هم به واسطه ترکیه افزایش دهد. تبدیل شدن پایگاه اینجریلیک به مهمترین پایگاه نظامی آمریکا در سه منطقه مهم خاورمیانه، قفقاز و بالکان یکی از اهداف این استراتژی است. در صورت تحقق چنین امری حضور آمریکا در خاورمیانه به شدت تقویت می شود و قدرت مانور کشورهایمانند ایران، سوریه و روسیه که با آمریکا مشکلاتی دارند، کاهش خواهد یافت. در مجموع به نظر می رسد، افزایش بی سابقه نقش آمریکا در معادلات منطقه، اولین و مهمترین تهدید متوجه ایران در پرتو فضای بین المللی شکل گرفته پس از حادثه یازدهم سپتامبر است و گسترش نفوذ آمریکا، زمینه مساعد را تعقیب همه جانبه اهداف این کشور در منطقه که بخش عمده ای از آن معطوف به تحدید نفوذ و حضور ایران است، فراهم خواهد ساخت و افزایش توجه ایالات متحده به ترکیه می تواند نقش آفرینی بیشتر ترکیه را در پی داشته باشد که طبعاً این روند به معنای افزایش تهدید است و چالش هایی را برای ایران در آسیای مرکزی و قفقاز و خاورمیانه در بر خواهد داشت (امیری، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

تحولات اخیر در سوریه بدون تردید سخت ترین چالش داخلی نظام بشار اسد، تاکنون بوده است. این تحولات نه تنها برای بشار اسد و نظام حاکم بر سوریه غیر منتظره بوده، بلکه بسیاری از دولت های منطقه از جمله دوستان سوریه را هم در موضع گیری و نوع برخورد با این تحولات دچار تعارض و سردرگمی کرده است. البته این امر به نقش مهم منطقه ای سوریه و اهمیت بازیگری این کشور بر تحولات منطقه از جمله مباحث مربوط به فلسطین، مقاومت، مذاکرات سازش، مساله عراق و دیگر مسائل منطقه ای بر می گردد. بدون تردید بحران در سوریه، محدود به مرزهای داخلی این کشور نبوده و تاثیرات منطقه ای و حتی جهانی گسترده ای در پی داشته و خواهد داشت. در سطح منطقه ای بحران سوریه بر روابط دو کشور ایران و ترکیه تاثیر گذاشته و چالش های را در روابط این دو کشور پدید آورده است (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲).

چالش‌های جدی سیاسی سوریه را، اگر در سطح داخلی نتیجه شکاف‌های سیاسی و اجتماعی متعددی بدانیم، در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی محصول عدم وجود اجماع بیرونی و وجود یک صف‌بندی جدی منطقه‌ای و بین‌المللی است. صف‌بندی‌ای که در قالب آن در سطح منطقه عربستان و قطر با تمام قوا و ترکیه و جنبش سراسری اخوان المسلمین تا حدود زیادی رویاروی دولت سوریه قرار گرفته و در مقابل، ایران و جنبش حزب‌الله لبنان با تمام قوا و گروه‌های مقاومت فلسطین تا حدودی در کنار سوریه قرار گرفته‌اند.

### ۳-۱. ایران و بحران سوریه

در رابطه با مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات سوریه، باید گفت که تا قبل از تحولات مربوط به سوریه، آن چه در تحولات شمال آفریقا به ویژه در تونس و مصر و لیبی و بعد هم در یمن و بحرین اتفاق می‌افتاد، به سود دیدگاه جمهوری اسلامی پیش می‌رفت و خیزش‌ها همواره به فال نیک گرفته می‌شد. اما با ورود تحولات مردمی به سوریه، به نظر می‌رسد مهره‌های شطرنج به هم خورده است. سوریه به جز روابط دو جانبه استراتژیک با جمهوری اسلامی ایران، سال‌های زیادی نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب را هم به عهده داشته است. ایران در مساله سوریه بحث معادلات منطقه‌ای را در محورهای لبنان، حزب الله، فلسطینی‌ها، حماس و... مورد توجه قرار می‌دهد. تحولات سوریه می‌تواند همه این محورها را تحت تاثیر خود قرار دهد و قدرت مانور سیاسی محورهای مختلف مقاومت را کاهش دهد. از سوی دیگر، سوریه نقش حیاتی در اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه و خاور نزدیک دارد. به همین دلیل، برخلاف سایر نقاط جهان عرب، ایران با نگاهی متفاوت و مبتنی بر منافع تحولات سوریه را دنبال کرده و می‌کند. به عبارت دیگر، ایران از یک سو با نگاهی محتاطانه به این تحولات نگریسته که عناصر خارجی (آمریکا، اسرائیل و عربستان) بر شدت آن می‌افزایند و از سوی دیگر، با درخواست‌های اصلاحات در سوریه و در چهارچوب حکومت حاکم و تا جایی که منجر به تضعیف قدرت و امنیت ملی سوریه در مبارزه با رژیم اسرائیل نشود، حمایت کرده است. این امر حتی می‌تواند بر مشروعیت حکومت بشار اسد بیافزاید و در نهایت منجر به حفظ اتحاد سنتی ایران و سوریه شود (همان، ۲۶).

### ۳-۲. ترکیه و بحران سوریه

ترکیه بزرگترین همسایه سوریه است و مرز طولانی با سوریه دارد. سوریه و ترکیه در دهه اخیر سعی داشته‌اند، مشکلات خود را در ابعاد مختلف حل و توانستند در این اواخر روابط خود

را به سطح شراکت راهبردی ارتقا دهند. ترک‌ها همواره از دروازه سوریه جهت حضور در خاورمیانه سود بردند ولی عوامل درونی و خارجی مانع از افزایش توجه و اهتمام آنکارا به محیط سنتی و اسلامی بوده است. ترکیه از دروازه سوریه توانست نقش خود را در محیط خاورمیانه افزایش دهد و در پرونده فلسطین و لبنان جایگاه پیدا کند. اما از آغاز ناآرامی‌ها در سوریه در مارس ۲۰۱۱ تاکنون دولت ترکیه واکنش‌های متفاوتی نسبت به آن نشان داده است. رویکرد ترکیه در آغاز مبتنی بر همکاری با دولت سوریه و کمک به حل بحران در این کشور بود. در این راستا ترکیه از اصلاحات در سوریه حمایت کرد و بر آن بود تا با کمک به دولت اسد در مدیریت بحران، به بازگشت ثبات و آرامش در این کشور کمک کند. این سیاست بیش از شش ماه به طول نینجامید. در سپتامبر ۲۰۱۱ سیاست خارجی ترکیه در قبال بحران سوریه گردشی اساسی یافت و دولت ترکیه با پذیرش مخالفین دولت سوریه در ترکیه در کنار اپوزیسیون سوریه قرار گرفت. از این پس سیاست ترکیه در راستای همراهی با سیاست‌ها و مواضع کشورهای غربی قرار گرفت و هدف اصلی از اجرای دیپلماسی فعال منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه در قبال موضوع سوریه را می‌توان برکناری اسد از قدرت دانست، سیاستی که از حمایت اتحادیه اروپا، ایالات متحده و اتحادیه عرب نیز برخوردار است. بنابراین و با ملاحظه سیاست‌های آنکارا در قبال سوریه، دولت ترکیه در تلاش است تا به شیوه‌های گوناگون بر بحران سوریه تاثیرگذار باشد. ترکیه تلاش دارد تا به چهارراه گفتگوها و رایزنی‌های منطقه‌ای برای بحران سوریه تبدیل شود. بر این اساس ترکیه میزبان گروه‌های مخالف اسد و همچنین نشست کشورهای موسوم به دوستان سوریه در خاک خود بوده است. ایستگاه سوریه، آغاز اختلافات جدی میان ایران و ترکیه بود؛ اختلافاتی که منجر به تیره شدن روابط دو کشور شد. ایران آشکارا اعلام کرد که با وجود حمایت از مطالبات مشروع سیاسی و اقتصادی مردم سوریه از نظام این کشور حمایت می‌کند و ترکیه ابتدا با فشار بر بشار اسد و سپس دعوت او به استعفا در کنار عربستان سعودی و قطر ایستاد. سیاست‌های آنکارا در برابر دمشق تا آنجا پیش رفت که دولت ترکیه با تشکیل «شورای ملی سوریه» در استانبول و حمایت لجستیکی - اطلاعاتی از شبه نظامیان وابسته به این شورا موسوم به «ارتش آزاد» از دخالت نظامی بین‌المللی برای اسقاط نظام در سوریه پشتیبانی نمود (قادری، ۱۳۹۱).

## نتیجه گیری

جهت گیری‌های سیاست خارجی بازیگران متأثر از شرایط داخلی، منطقه ای و بین‌المللی است. ظهور حزب عدالت و توسعه در ترکیه منجر به شکل‌گیری جهت گیری‌های نوین در ترکیه شده است این کشور تلاش می‌کند با رفتار فعالانه در سطح منطقه ای و بین‌المللی هویت نوینی را برای نقش آفرینی در خاورمیانه ایفا نماید. با توجه به شرایط و تحولات موجود در خاورمیانه ترکیه نیز به فراخور شرایط موجود دستور کارهای نوینی را برای خود ایفا نموده است. تضادهای ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی با سوریه و تلاش برای تغییر وضع موجود در این کشور منجر به همسویی ترکیه با معارضان سوری شده است. ترکیه با رویکرد عملگرایانه نسبت به گروه‌ها و جریان‌های مخالف دولت سوریه تلاش می‌کند تا ضمن تضعیف دولت سوریه گروه‌های کرد را سرکوب نموده و با استفاده ابزاری از داعش ایده تشکیل دولت کرد را با چالش روبرو نماید. در این راستا نوع عملکرد ترکیه در موضوع سوریه و عراق منجر به تقابل غیر مستقیم با جمهوری اسلامی ایران شده است. با توجه به عمق استراتژیکی ایران در سوریه و عراق این رویکرد ترکیه منجر به نوعی زور آزمایی سیاسی در محیط منطقه ای خاورمیانه شده است. به نوعی معادله قدرت در خاورمیانه همراه با شکل‌گیری جنگ نیابتی در خاورمیانه شده است. تقابل ایران با ترکیه و عربستان در سوریه و عراق و یا تقابل ایران با عربستان در یمن و بحرین کمر بند شکننده خاورمیانه را شکننده تر و چالش‌های فراروی این منطقه را تشدید تر نموده است. رفتار سیاست خارجی ترکیه در خاورمیانه مجموعه ای از تضادها و تقابلهاست این کشور تلاش می‌کند تا با بهره برداری از جایگاه ژئوپلیتیکی خود بخصوص پس از جنگ سرد و در شرایط کنونی با بهره‌برداری از متغیر ایدئولوژی و هویت زبانی هویت نوینی را در سطح منطقه‌ای و جهانی برای خود ایجاد نماید. دست یازیدن به ابزارها و متغیرهای مختلف در سیاست خارجی منجر به ظهور چالش‌ها و بحران‌های اساسی فراروی ترکیه در سطح داخلی و منطقه‌ای شده است. آرمان‌گرایی مبتنی بر آموزه‌های نوعثمان‌گرایی منجر به ظهور بحران داخلی و چالش‌های امنیتی برای ترکیه شده است. همچنین به چالش کشیدن امنیت ملی و حاکمیت ملی ترکیه از سوی کردها و یا داعش می‌تواند آرمان‌های مبتنی بر پان‌ترکیسم را با بن بست روبرو سازد و هویت سازی نوین با نوعی بی‌هویتی روبرو شود.

## فهرست منابع

- امیری، مهدی (۱۳۸۷). «تحولات محیط امنیتی آسیای مرکزی پس از یازدهم سپتامبر: فرصت‌ها و تهدیدات فراروی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۶.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۰). «روابط ایران و ترکیه: آثار آن بر استراتژی‌های سیاسی - امنیتی اسرائیل»، **فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام**، سال یازدهم، شماره ۴۴.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت.
- روشندل، جلیل (۱۳۸۶). «هدف‌ها و پیامدهای پیمان استراتژیک ترکیه و اسرائیل». **مجموعه مقالات مرکز اطلاعات استراتژیک خاورمیانه**، شماره ۱.
- رضازاده، سخاوت (۱۳۸۴). «ملاحظات مشترک جمهوری اسلامی ایران و روسیه پس از شکل‌گیری محور استراتژیک ترکیه و اسرائیل»، **مجله مجلس و پژوهش**، سال دوازدهم، شماره ۴۸.
- حیدری، محمد (۱۳۸۶). «دگرگونی‌های ژئوپولیتیک دهه ۱۹۹۰ و جغرافیای نوین امنیتی ایران»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال یازدهم، شماره ۱.
- کاکایی، سیامک (۱۳۷۶). «نقش ترکیه در منطقه خاورمیانه پس از جنگ سرد»، **فصلنامه خاورمیانه**، شماره ۱۲.
- مرادیان، محسن (۱۳۸۵). **برآورد استراتژیک خاورمیانه**، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- محمدی، مصطفی (۱۳۹۱). **تبعات بحران سوریه بر روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه**، تهران: مجموعه مقالات مرکز بین‌المللی مطالعات صلح.
- طاهاپی، جواد (۱۳۸۰). «کمالمیزم؛ عناصر بحران در نگرش سیاست خارجی ترکیه»، **مجله راهبرد**، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، شماره ۲۱.
- فولر، گراهام (۱۳۷۷). **قبله عالم، ژئوپلیتیک ایران**، ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
- قادری، علی (۱۳۹۱). «بهار عربی و هزینه‌هایی که ایران و ترکیه دادند». **سایت تحلیلی خبری عصر ایران**.
- عطایی، فرهاد (۱۳۷۸). «نگرش جدید در سیاست منطقه‌ای ترکیه». **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۱۹.

